

چکیده

سیاست خارجی تهاجمی عراق در دهه های گذشته همواره عامل نگرانی برای کشورهای همسایه آن و همچنین ثبات و امنیت منطقه ای بوده است. حمله نیروهای آمریکایی و هم پیمانانش در سال ۲۰۰۳ به این کشور و سرنگونی دولت صدام حسین، این سوال را به وجود آورده است که آیا دوران دردسرافرینی های عراق به پایان رسیده است؟ این مقاله، با بررسی ویژگیهای موثر ژئوپلیتیکی عراق، با توجه به مدل جغرافیایی پیترهاگت، بر آن است که عوامل جغرافیایی تنش را در سیاست خارجی عراق همچنان پابرجاست و تا هنگامی که چاره ای برای آنها یافت نشود، زمینه های بروز تنش میان عراق و دیگر کشورها وجود خواهد داشت و مسأله امنیت در خلیج فارس همواره تحت الشعاع این مشاجرات قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه ها: سیاست خارجی عراق، ارون رود، ژئوپلیتیک، بحران، مدل جغرافیایی

پیترهاگت

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال شانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۲۲-۱۰۵

مسأله امنیت در خلیج فارس و تلاش کشورهای مختلف دنیا برای برقراری و حفظ آن، از اهمیت موضوع خبر می‌دهد. واقعیت آن است که تبدیل شدن خلیج فارس به مهم‌ترین گذرگاه انرژی جهان، دنیای صنعتی معاصر را نسبت به بروز هر گونه تشنجی در این منطقه آسیب‌پذیر می‌سازد و از این رو ضروری است که همواره چاره‌ای برای رفع مشکلات و برقراری نظم و ثبات در آن اندیشیده شود. با این حال، وجود کشورهای مختلف در حاشیه خلیج فارس و منازعات موجود میان آنها، امنیت این منطقه را به وضعیت پیچیده‌ای دچار ساخته است. بروز سه جنگ پیاپی و دامن‌گیر در طول سه دهه اخیر در منطقه و زمینه‌ها و تبعات آن، نشانگر آن است که دستیابی به ثبات نیازمند مصالحه‌هایی است که فقدان آنها، می‌تواند فضای عدم اطمینان متقابل و همچنین پتانسیل‌های منازعات بعدی را همچنان حفظ کند. در این میان نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، جایگاه کشور عراق است. عراق در هر سه جنگ ذکر شده، نقشی محوری بر عهده داشته است. از یک سو، عراق آغازگر دو جنگ خانمان‌سوز بوده است و از سوی دیگر، جنگ سوم نیز با بهانه بر طرف کردن خطرانی برای امنیت در منطقه آغاز شد که عراق منشأ آنها بوده است. نگاهی عمیق به بحرانهای پیش آمده در دهه‌های اخیر در روابط عراق با کشورهای همسایه، نشان می‌دهد که تقلیل دادن عوامل این بحران‌زایی‌های مکرر به ایدئولوژی بعثی حاکم بر این کشور از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۰۳ نوعی ساده‌انگاری است و ریشه‌های بحران را باید در جاهای دیگری بررسی کرد. وضعیت خاص ژئوپلیتیکی عراق، از جمله عواملی است که در این میان می‌تواند به ویژه مورد توجه قرار گیرد.

موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی کشور عراق، از جمله عواملی است که همواره سیاست خارجی این کشور را، به شکلهای متفاوت، متأثر ساخته است. البته تأثیر این عامل در کنار عواملی چون ایدئولوژی و رهبری در مقاطع تاریخی مختلف دچار نوساناتی بوده، ولی تقریباً همیشه به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عراق به حساب می‌آمده است. در واقع، با وجود آنکه فناوری مدرن و پیدایش پدیده‌هایی چون موشک‌های قاره‌پیما، زیردریایی‌های اتمی و همچنین دیگر دستاوردهای بشر امروزین، چون چرخه الکترونیک اطلاعات و داراییها و نفوذ امنیتی به مراکز مهم و راهبردی کشورها، شکلهای سنتی

قدرت یابی کشورها و تاثیر آنها بر وقایع بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است، «وضع جغرافیایی اثر مستقیم و زیادی بر توانایی و قدرت کشور در متقاعد ساختن، پاداش [دادن] و تنبیه کردن سایر کشورها دارد؛ چه آنکه نظارت بر نواحی سوق الجیشی و توانایی اجازه دادن تاسیس پایگاه و حق عبور و مرور، می تواند مزایای عمده ای برای کشور داشته باشد.»^۱

وجود منابع عظیم نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به آبهای آزاد (دسترسی این کشور از طریق مرزهای کشورهای همسایه، به ویژه ایران و کویت، میسر است)، وجود مرزهای طبیعی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از آنها (مهم ترین آنها را می توان ارون رود در مرز عراق با ایران دانست)، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه مناسبی برای پدید آمدن واگرایی ها در داخل کشور است و شاخصهای متعدد دیگر را می توان به عنوان ویژگیهای ژئوپلیتیکی و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش برشمرد. ریشه بسیاری از این مشکلات را می توان در شرایط تاسیس این کشور در سالهای آغازین قرن بیستم جست. به هر حال، تاریخ معاصر عراق به خوبی نشانگر آن است که شرایط ویژه ژئوپلیتیکی عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سر کار بیاید، همواره از عوامل تعیین کننده سیاست خارجی این کشور بوده است و بررسی دقیق این ویژگیها می تواند ما را در تحلیل آن یاری رساند.

این مقاله در پی آن است در راستای بررسی تاثیر وضعیت خاص ژئوپلیتیکی عراق بر امنیت در منطقه خلیج فارس، تعامل ژئوپلیتیک و سیاست خارجی را در این کشور با استفاده از مدل جغرافیایی پیتر هاگت، مورد بررسی قرار دهد. در مدل جغرافیایی پیتر هاگت عوامل متعدد ژئوپلیتیک که قابلیت تاثیر گذاری بر سیاست داخلی و خارجی هر کشوری را دارند، به صورتی چند بعدی مورد توجه قرار گرفته اند و از این رو، امکان انعطاف بیشتری را در نحوه تحلیل این عوامل و تعامل آنها با سیاست گذاریهای یک دولت فراهم می کند. توجه به عوامل گوناگون ژئوپلیتیکی، از جمله برتریهای این مدل بر مدلهای دیگری چون مدل قدرت دریایی ماهان - که تنها به برتری در دریا به عنوان عامل ژئوپلیتیکی موثر می پردازد - و یا مدل هارتلند مکیندر - که با مشخص نمودن قطعه خاصی از کره خاکی، تسلط بر آن را عامل تفوق ژئوپلیتیکی اعلام می کند - به شمار می آید و از این رو، هدف ما در این مقاله، بررسی میزان

سازگاری شرایط ژئوپلیتیکی عراق با معیارهای مشخص شده در این مدل خواهد بود تا از طریق آن به این سوال پاسخ داده شود که ویژگیهای ژئوپلیتیک عراق، چگونه در تعیین سیاست خارجی این کشور تاثیرگذار بوده است؟ واقعیت آن است که کشور عراق بسیاری از عوامل ژئوپلیتیکی تنش زا را، که بر اساس مدل هاگت می توانند سیاست خارجی آن را متأثر سازند، در خود داراست و از این رو تا هنگامی که چاره ای برای چالشهای حاصل از این ویژگیها یافت نشود، زمینه برای بروز تشنجات دیگری در روابط خارجی عراق با کشورهای همسایه و در نتیجه بروز بی ثباتی و عدم امنیت در منطقه خلیج فارس وجود دارد.

ویژگیها و موقعیت ژئوپلیتیک عراق

شکل گیری کشور عراق و مرزبندیهای مصنوعی

پیروزی نیروهای متفقین در جنگ اول جهانی و تلاش آنها برای گسترش نفوذ خود در مناطق عرب نشین، تجزیه امپراتوری عثمانی را به عنوان راه حل مناسبی پیش روی آنها نهاد. انگلستان و فرانسه، آن گونه که از بیانیه مشترک آنها در ۱۷ نوامبر ۱۹۱۸ بر می آید، هدف خود از دخالت در این مناطق را، به بهانه «اختناق و سرکوب ترکان»، تاسیس «حکومت و دولتهای ملی که اقتدار خود را از انتخاب آزاد و بی واسطه مردم بومی کسب کرده باشند» اعلام نمودند،^۲ اما این تمام ماجرا نبود. در واقع، قرار بود معاهده سایکس-پیکو سرنوشت این مناطق را تعیین نماید. این معاهده که به شکلی مخفیانه میان انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۱۶ به امضا رسیده بود، مناطق نفوذ هر یک از دو قدرت استعمارگر را در منطقه مشخص می نمود. در این میان، عراق جزو مناطق تحت نفوذ انگلستان بود و از این رو رهایی آن از دست ترکان عثمانی نیز توسط نیروهای انگلیسی صورت گرفت.^۳

نکات بسیاری در توجیه علت توجه ویژه انگلستان به عراق در گزارشهای مختلف آمده است که از آن جمله می توان به دلایل زیر اشاره نمود:

- اولین و مهم ترین مسأله برای انگلستان، تضمین امنیت هندوستان بود که لازمه این امر، وجود نظم و ثبات در منطقه خلیج فارس بوده است.^۴ تسلط بر عراق می توانست تا حدود زیادی این تضمین را برای بریتانیا فراهم آورد، به خصوص اگر آن را در کنار نفوذ گسترده و

قابل توجه بریتانیا در آن زمان در دستگاه حکومتی ایران، در نظر بگیریم.

—مسأله مهم دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، پدیده نفت است. تصمیم بریتانیا به تغییر سوخت نیروی دریایی خود از ذغال به نفت و به دنبال آن، تلاش برای یافتن منبعی نزدیک تر از خلیج مکزیک برای تامین نیاز این کشور به نفت، سیاستمداران این کشور را متوجه خاورمیانه و به خصوص ایران و عراق ساخت. در دست گرفتن ۵۱ درصد سهام شرکتهای نفتی فعال در این دو کشور از سوی دولت بریتانیا، نشان دهنده اهمیت فوق العاده‌ای است که نفت در تعیین سیاستهای بریتانیا در خاورمیانه و به خصوص در قبال این دو کشور دارد.^۵

— هلمز از تاثیر تعهدات دولت بریتانیا به تاسیس دولت یهودی در فلسطین، ذکر شده در بیانیه بالفور، و دغدغه‌های سیاسی و راهبردی مربوط به آن بر میزان توجه بریتانیا به عراق نیز سخن گفته است. به نظر او، دولتمردان انگلیسی فکر می‌کردند در صورت کنترل عراق و مصر، می‌توانند این دغدغه‌ها را تامین کنند.^۶

در همه این موارد می‌توان ردپایی از ویژگیهای ژئوپلیتیکی عراق یافت؛ این از یک سو نشان از اهمیت ژئوپلیتیک این کشور دارد و از سوی دیگر، از چالشهای احتمالی که این کشور می‌تواند با توجه به موقعیت ویژه خود با آن روبه‌رو شود، خبر می‌دهد. در مقابل، نحوه شکل‌گیری مرزهای این کشور نیز متأثر از منطق ژئوپلیتیک بوده است. برای مثال، اسلاگت و اسلاگت از دغدغه مشترک بریتانیا و دولت دست‌نشانده آن در عراق، برای جلوگیری از تشکیل کشوری با جمعیت غالب شیعه و در نتیجه پیوستن ولایت موصل به عراق، و رای مسأله منابع نفتی این منطقه که خود اهمیت ویژه‌ای در تعیین تکلیف آن داشته است،^۷ سخن گفته‌اند.^۸ از سوی دیگر، تلاشهای بریتانیا برای جدا نگه داشتن کویت از عراق و واکنش سخت آن به هرگونه ادعایی از سوی عراقی‌ها بر این منطقه، که خود یک مسأله ژئوپلیتیکی است را نیز نباید از یاد برد.^۹

ویژگیهای جغرافیایی عراق

در توصیف وضعیت جغرافیایی عراق باید گفت این کشور مساحتی در حدود ۴۳۷۰۷۲

کیلومتر دارد که در خاورمیانه، در سواحل شمالی خلیج فارس، شمال عربستان سعودی و کویت، غرب ایران، شرق سوریه و اردن و جنوب ترکیه واقع شده است. این کشور، در مجموع ۳۶۵۰ کیلومتر مرز مشترک با دیگر کشورها دارد که از این میان، ایران ۱۴۵۸ کیلومتر، اردن ۱۸۱، کویت ۲۴۰، عربستان سعودی ۸۱۴، سوریه ۶۰۵ و ترکیه ۳۵۲ کیلومتر با عراق مرز مشترک دارند. این کشور در خلیج فارس نیز ۵۸ کیلومتر ساحل دارد.^{۱۰} این کشور به چهار منطقه جغرافیایی قابل تقسیم است. صحرای غرب و جنوب غربی عراق، که قسمتی از صحرای سوریه است، با تپه‌های شنی و ماسه‌ای پوشیده شده اند. مناطق جلگه‌ای شمال نیز، که از ۱۲۰ کیلومتری شمال بغداد آغاز می‌شود، سرچشمه‌های رودهای دجله و فرات در عراق را در خود دارد. از ویژگیهای این منطقه وجود وادی‌ها و دره‌های خشک است. سومین منطقه جغرافیایی عراق، مناطق کوهستانی شمال و شمال غربی است که در واقع ادامه ارتفاعات توروس در ترکیه و زاگرس در ایران است. این منطقه که عمده مرزهای شمالی عراق را در بر می‌گیرد، شامل چیزی حدود ۵ درصد خاک عراق می‌باشد و در نهایت، منطقه آبرفتی جنوبی عراق، که در گذشته بین النهرین نامیده می‌شد، منطقه‌ای حاصلخیز است که رودهای دجله و فرات در آن جریان دارند. در بالای محل اتصال دو رود، ناحیه‌ای وسیع به وسعت ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وجود دارد که نیزارهایی تا آن سوی مرزهای ایران را در بر می‌گیرد. بیشتر این نیزارها، مردابهایی دائمی را تشکیل می‌دهند که در بعضی قسمتها در زمستان خشک می‌شوند. اندازه این مردابها کاملاً به حجم آب هدایت شده توسط این دو رود در فصول بارانی به درون آنها بستگی دارد. آب و هوای این کشور در عمده مناطق آن، خشک صحرائی با زمستانهایی خشک و ملایم و تابستانهایی بسیار گرم است. البته مناطق کوهستانی شمالی آب و هوای سردی دارد و در اکثر مواقع با بارش سنگین برف روبه‌رو است.^{۱۱} محیط زیست این کشور، به‌طور عمده در اثر جنگها و منازعات در وضعیت نامناسبی قرار دارد و مردم این کشور در نتیجه از بین رفتن صنایع مادر، از آب بهداشتی محرومند. خاک و همچنین هوای این کشور نیز در اثر همین جنگها و منازعات، به شدت آلوده به ذرات معلق فلزات سنگین و دیگر ذرات خطرناکی است که به آنها وارد شده و با وجود آنکه کشاورزی قسمت عمده اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهد، زمینهای قابل کشت، اغلب دچار ضعف در باروری شده‌اند و به‌وسیله

بیابان‌زایی و فرسایش خاک تهدید می‌شوند.

جمعیت عراق، بر اساس سرشماریهای صورت گرفته، از ۳/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۴۷ به ۱۶/۳ میلیون در سال ۱۹۸۷ رسیده است. بعد از آن، دیگر سرشماری رسمی در عراق صورت نگرفته است، اما طبق برآوردها جمعیت آن در سال ۲۰۰۴، ۲۵/۳۵ میلیون نفر تخمین زده شد که رشدی معادل ۲/۷ درصد را نشان می‌دهد. توزیع جمعیت در این کشور یکنواخت نیست و تراکم آن در حاشیه رودها بیشتر است، اما به طور میانگین در هر کیلومتر مربع ۵۸/۵ نفر زندگی می‌کنند. جمعیت این کشور به شدت به سمت شهری شدن پیش می‌رود و درصد شهرنشینی در آن از ۶۹ درصد در ۱۹۸۵ به ۷۹ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است. در تقسیم بندی قومیتی، ۸۰-۷۵ درصد ساکنان عراق عرب هستند، ۲۰-۱۵ درصد کرد و ۵ درصد باقیمانده را ترکمن‌ها، آشوری‌ها و دیگر اقوام تشکیل می‌دهند. ۹۷ درصد جمعیت آن مسلمان هستند که ۶۵-۶۰ درصد آنها را شیعیان و ۳۲-۳۷ درصد دیگر را اهل سنت و ۳ درصد باقیمانده را مسیحیان و دیگر مذاهب به خود اختصاص می‌دهند.^{۱۲} وجود قومیتها و مذاهب مختلف و حتی متعارض در این کشور، خود عامل ایجاد نابسامانیهای گوناگون در این کشور بوده است. این مسأله تا بدان حد برای رهبران عراقی، در دوره‌های مختلف، عذاب‌آور بود که به عنوان نمونه، ملک فیصل از فقدان هویت ملی در عراق چنین اظهار تاسف می‌کند: «من با قلبی پرانده اقرار می‌کنم که هنوز در عراق، فرد عراقی وجود ندارد.»^{۱۳} ادامه وجود نگاه قومی در میان مردم عراق، عملاً این کشور را تبدیل به زنجیره به هم پیوسته‌ای از واحدهای مستقل و حتی رقیب اجتماعی کرده است که نه تنها انگیزه همکاری در راه آبادانی عراق را از دست می‌دهند، که حتی به گرایشهای واگرایانه نیز دامن می‌زنند.

مدل جغرافیایی پیترهاگت

پیترهاگت، در کتاب جغرافیا؛ ترکیبی نو، با ارایه فهرستی از منابع تنش جغرافیایی میان کشورها، مدل خاصی را برای بررسی میزان تنش‌پذیری یک کشور فرضی ارایه داده است که در اینجا به بیان آن می‌پردازیم. در مدل هاگت، برای یک کشور فرضی (کشور

های پوتیتکا)،^(۱) ۱۲ منبع تنش جغرافیایی می توان در نظر گرفت که هرچه تعداد بیشتری از این منابع تنش موجود باشند، احتمال بروز درگیری میان این کشور و همسایگانش افزایش می یابد. اولین مشکل کشور های پوتیتکا، «محصور بودن در خشکی» است که در نتیجه آن، این کشور برای دستیابی به آبهای آزاد جهان نیازمند وجود معاهدات ترانزیتی خاصی با همسایگان خود است. ۲۰ درصد کشورهای جهان، از جمله عراق، از این مشکل رنج می برند.

مباحث مربوط به آبهای مرزی، ۴ مشکل دیگر کشورهای پوتیتکا است. نحوه استفاده از مرزهای آب پخشان، تغییر مسیر رود مرزی در اثر عوامل محیطی، نحوه تعیین مرزها در رودها و دریاچه های مرزی قابل کشتیرانی و نحوه استحصال رودی که از کشوری دیگر وارد مرزهای کشور های پوتیتکا می شود، موارد قابل ذکر در این زمینه هستند. مسأله بسیار مهم دیگری که می تواند کشور را متاثر سازد، وجود گروه های اقلیت است. در اینجا نیز هاگت ۴ نوع مشاخره را نام می برد که تحت تاثیر این ویژگی امکان بروز می یابد. وجود یک اقلیت زبانی در مرزهای کشور که کشور دیگر نسبت به آنها ادعاهایی دارد، وجود اقلیتی که در دو سوی مرزها مستقر هستند، رمه داران کوچ نشین که مراتعی در دو سوی مرزها دارند و وجود اقلیتهای مختلف درون یک کشور، می تواند عامل بروز مشکلات بین المللی و یا داخلی برای کشورهای پوتیتکا باشد. هاگت، منابع دیگری را نیز برای تنش نام می برد که از جمله آنها می توان به این مسایل اشاره نمود: وجود منابع مهم از دیدگاه بین المللی در یک کشور؛ از جمله منابع مواد اولیه (مثل نفت یا اورانیوم) و یا حتی اماکن شاخص فرهنگی و مذهبی (مثل بیت المقدس)، تلاش یک کشور برای حفظ موقعیت و قدرت خود از طریق گسترش فضای حیاتی مورد نیاز خود؛ مثل ادعاهای عراق بر جزایر کویتی «وربه» و «بویان» برای حفظ موقعیت این کشور در مقابل تهدیدهای ایران، و در نهایت منابع متغیر تنش در روابط بین الملل؛ مثل منازعات موجود بر سر باروری ابرها.^{۱۴}

بررسی شرایط ژئوپلیتیکی عراق با استفاده از مدل هاگت

کشور عراق، همانند دیگر کشورها، تعدادی از این منابع تنش را در خود جای داده است. نکاتی که در ذیل ذکر خواهد شد، نشان می‌دهد که، طبق مدل هاگت، عراق کشوری تنش خیز است و بسیاری از مشکلات تاریخی این کشور با همسایگانش در این چارچوب قابل بررسی است. در ادامه، این تنشها به دو دسته تنشهای خارجی و تنشهای داخلی تقسیم شده است.

تنشهای ژئوپلیتیکی خارجی عراق

بزرگ‌ترین تنگنای جغرافیایی این کشور، کوتاه بودن سواحل آن نسبت به قلمرو سرزمینی است. این کشور، ایران و کویت را مانع دسترسی آزادانه خود به خلیج فارس می‌داند؛ چرا که برای استفاده از بندر بصره باید از آبهای ایران و برای استفاده از بندر ام‌القصر باید از آبهای ساحلی کویت استفاده کند. سومین بندر این کشور، فاو، هم علاوه بر واقع شدن در دهانه اروندرود، به دلیل رسوبی و باتلاقی بودن، برای کشتی‌رانی مناسب نیست.^{۱۵} اهمیت این رودخانه برای عراقی‌ها از جهات گوناگونی قابل بررسی است. این رود مهم‌ترین راه دستیابی این کشور به خلیج فارس است و تضمین حاکمیت عراق بر آن می‌تواند از جهات مختلف، به ویژه از جهات اقتصادی، برای این کشور مفید فایده باشد. از سوی دیگر، واقع شدن منابع نفتی «زبیر» و «رمیله» و همچنین مهم‌ترین منابع گاز طبیعی عراق در اطراف این آبراه، اهمیت آن را برای عراق دوچندان نموده است. در نتیجه چگونگی اعمال حاکمیت بر این رود، همواره به عاملی برای ایجاد تنش در روابط عراق با ایران تبدیل شده است. سابقه اختلافات و مذاکرات و قراردادهای مختلفی که میان دو کشور بر سر نحوه اداره این رود وجود داشته است، به سالهای دور و دوران حاکمیت امپراتوری عثمانی بر عراق و همچنین سلسله قاجار در ایران باز می‌گردد. از سوی دیگر، نحوه به رسمیت شناخته شدن موجودیت کشور عراق در آستانه تاسیس آن از سوی ایران نیز متأثر از دیدگاههای دو کشور درباره این آبراه بوده است.^{۱۶}

مهم‌ترین قراردادهایی که پس از تاسیس دولت عراق میان دو کشور بر سر نحوه اعمال حاکمیت بر این آبراه بسته شد، قراردادهای ۱۹۳۷ و ۱۹۷۵ است که در مورد اولی ایران

نارضایتی خود را به گونه های مختلف اعلام می کرد و در نهایت هم در اواخر دهه ۱۹۵۰، این قرارداد را ملغی اعلام نمود و خط تالوگ یا خط میانی رودخانه را به عنوان مرز دو کشور به رسمیت شناخت. البته عراق هم در واکنش نسبت به اعتراضات ایران با اعلام اینکه اروندرود جزیبی از خاک عراق است، نسبت به همان امتیازات محدودی که در قرارداد برای ایران در نظر گرفته شده بود، اعلام نارضایتی نمود.^{۱۷} اختلافات دو کشور به همین مورد محدود نشد و موضوع اخراج گروهی از ایرانیان مقیم عراق و همچنین بازپس گیری جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی توسط ایران، در کنار مسأله مرزی، کار را به قطع رابطه سیاسی میان دو کشور و حتی درگیریهای جزیبی کشاند. این وضعیت تا سال ۱۹۷۵ و امضای قرارداد الجزایر میان دو کشور ادامه یافت. این قرارداد که مرز دو کشور را خط تالوگ اعلام می کرد، از سوی عراقی ها بیشتر به عنوان یک عقب نشینی تاکتیکی قلمداد می شد و این کشور به طور کلی از امضای این قرارداد راضی نبود. لغویک جانبه آن در سال ۱۹۸۱، در آغاز تجاوز عراق به خاک ایران، خود شاهد این مدعاست.^{۱۸}

با وجود آنکه عراق در پایان جنگ با ایران و پس از آغاز تجاوز به خاک کویت بار دیگر خط تالوگ را به عنوان مرز رسمی دو کشور مورد شناسایی قرار داد و با این کار در واقع قرارداد الجزایر را به رسمیت شناخت،^{۱۹} به نظر می رسد که این شناسایی هرگز از صمیم قلب نبوده و همان گونه که ملک فیصل در پاسخ وزیر مختار وقت ایران - که خواستار میانجی گری کشور سوم در اختلافات دو کشور درباره این رودخانه شده بود - با رد درخواست وی، این آبراه را به عنوان تنها خروجی این کشور، دارای اهمیت ویژه ای برای عراق اعلام کرد.^{۲۰} عراقی ها هرگز راه حل خط تالوگ را، که عراق را مجبور به استفاده از مرز ایران برای کشتیرانی می کند و در واقع بدین وسیله وابستگی عراق به ایران را دوچندان می سازد، نپذیرفته اند و همواره به بهانه های مختلف در صدد الغای این وضعیت بوده اند. از سوی دیگر، عراق علاوه بر اروندرود، به جزایر کویتی وره و بویان هم چشم داشت. هر چند که ادعاهای عراق در برابر کویت بیش از این بوده است و تا ضمیمه ساختن این کشور به خاک عراق هم پیش رفته بود، به نظر می رسد که این تنش می توانست با تعلق یافتن این دو جزیره به عراق، در هنگام تاسیس این کشور، صورت دیگری یابد. عراقی ها کشور خود را «پارکینگی بزرگ با یک خروجی کوچک»

می دانند^{۲۱} و معتقدند که خاک کویت می تواند خروجی مناسبی برای این پارکینگ باشد.

تلاشهای عراق برای ضمیمه ساختن کویت، یا حداقل این دو جزیره، از زمان قیومیت انگلستان بر کویت آغاز شد. در این زمان دولت عراق با ارایه دلایلی، از جمله وابستگی عراق به اروند رود به عنوان تنها راه خروجی این کشور و قابل اعتماد نبودن این راه با توجه به اختلافات عراق با ایران، تقاضای در اختیار گرفتن جزایر ورهبه و بوبیان را به انگلستان ارایه داد. انگلستان با رد این دلایل، عراق را به استفاده از خور الزبیر، به عنوان بندر جایگزین، تشویق نمود.^{۲۲} پس از آن، با خروج انگلستان از خاک کویت، ژنرال عبدالکریم قاسم، رئیس جمهوری وقت عراق، با اعلام کویت به عنوان جزئی از خاک عراق، نیروهای نظامی خود را در مرزهای دو کشور مستقر نمود که البته اقدام او در نتیجه واکنش سریع انگلستان و کشورهای عرب ناکام ماند.^{۲۳} البته عده ای معتقدند که ادعاهای قاسم، بیش از آنکه واقعاً درباره تمامیت ارضی کویت باشد، تاکتیکی برای استفاده در چانه زنی های بعدی بوده و در واقع هدف، صرفاً به دست آوردن جزایر ورهبه و بوبیان بوده است.^{۲۴} از سوی دیگر، عده ای نیز هدف اصلی قاسم از ادعاهایش بر سر کویت را تلاش وی برای انحراف افکار عمومی عراق از مسایل و مشکلات داخلی، که در آن زمان در وضعیت مناسبی نبود، به مسایل خارجی می دانند،^{۲۵} اما به نظر می رسد که ادعاهای بعدی رهبران عراق بر سر کویت، که در نهایت به تجاوز سال ۱۹۹۰ به خاک کویت منجر شد، خط بطلانی بر این تحلیل باشد. از این رو، فرو کاستن انگیزه های عراق برای حمله به خاک کویت به انگیزه های شخصی فردی چون قاسم و یا حتی جاه طلبی های شخصی صدام حسین، در مسأله تجاوز به خاک کویت در سال ۱۹۹۰، کج سلیقگی به نظر می آید. محرک اصلی این رفتار، چه دستیابی به چاههای نفتی این کشور باشد و چه تلاشی برای رهایی از بن بست خشکی و دستیابی به آبهای آزاد، باید در سطحی فراتر از افراد و یا ایدئولوژی مورد تحلیل قرار گیرد. البته این مسأله نافی تاثیر انگیزه های ذکر شده نیست؛ هدف تنها بیان این نکته است که آن انگیزه ها را باید در کنار محدودیتهای ژئوپلیتیکی، که فراتر از رفتارها و ویژگیهای شخصی است، در نظر گرفت و تحلیل مجرد آنها می تواند ما را به بیراهه ببرد.

این وضعیت نامناسب جغرافیایی، بر اقتصاد عراق هم تاثیر گذاشته است. از آنجا که مهم ترین منبع درآمد عراق صادرات نفت است، وجود بک راه مطمئن برای تضمین صدور آن

حیاتی به نظر می‌رسد. از این رو، این کشور همواره به دنبال کاهش وابستگی خود به بنادر جنوبی و تنگه هرمز بوده است. احداث خط لوله‌های صدور نفت از خاک عربستان، ترکیه و سوریه و حتی صدور نفت به وسیله تانکر و از راه زمینی از اردن و کمکهای فراوان به این کشور برای توسعه تاسیسات بندر عقبه در دریای سرخ،^{۲۶} راههایی بود که عراق برای کاهش آسیب‌پذیری خود در مقابل ایران و نیازش به خاک کویت، به کار برده، اما در نهایت هرگز نتوانسته است وابستگی خود به قلمرو کشورهای همسایه را به طور کامل از بین ببرد.

تنشهای ژئوپلیتیکی داخلی عراق

جدای از مسایل سیاست خارجی عراق، این کشور در سیاستهای داخلی هم دچار معضلات ژئوپلیتیکی متعددی است؛ به عنوان نمونه، تلاشهای جدایی طلبانه کردها در شمال این کشور دارای سابقه طولانی است که البته بسط آن از حوصله این مقاله خارج است. این مسأله همواره یکی از موانع اصلی هر نوع تلاشی برای اجرای طرحهای توسعه متوازن کشور بوده است. در کنار آن، همواره قسمتی از توان و منابع مالی دولت عراق، صرف مبارزه با جدایی طلبی‌های کردها بوده است. این مسأله، به خصوص با توجه به واقع شدن میدانهای عظیم نفتی کرکوک و موصل در منطقه کردنشین، ابعاد ویژه‌ای به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، کردها از آغاز همواره به عنوان وسیله فشار دولتهای همسایه بر دولت عراق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله مهم‌ترین این سوءاستفاده‌های کشورهای همسایه را می‌توان در حمایت دولت ایران از شورشیان کرد عراق در دهه ۱۹۷۰ دانست که در نهایت دولت عراق را مجبور به قبول معاهده ۱۹۷۵ الجزایر با ایران نمود که بر اساس آن خط مرزی دو کشور در آبهای اروندرود، به گونه‌ای تنظیم شد که رضایت دولت ایران را به همراه داشته باشد. ایران نیز در مقابل، دست از حمایت از کردهای معارض دولت عراق برداشت.^{۲۷} وجود تعارضات گوناگون مذهبی میان شیعه و سنی هم خود عامل دیگری در ایجاد واگرایی در ملت عراق بوده است. تسلط اهل سنت بر شریانیهای اصلی حاکمیت در عراق، از زمان تاسیس این کشور تا پیش از حمله نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۰۳، در کنار این واقعیت که شیعیان پرجمعیت‌ترین بخش این کشور به شمار می‌روند، و تلاش آشکار دولتهای پیشین عراق برای

دور نگه داشتن شیعیان از مناصب حکومتی، بر بدگمانی شیعیان عراقی نسبت به دولت مرکزی دامن می‌زد. از سوی دیگر، وجود گروهی از شیعیان عراقی که اصالت ایرانی داشته‌اند، باعث ایجاد گرایشهای ایران دوستانه در میان شیعیان از یک سو و گسترش بی‌اعتمادی و سوء ظن دولت مرکزی نسبت به آنها از سوی دیگر، شده است.^{۲۸}

جغرافیای راهبردی این کشور نیز چندان مساعد نیست. اساساً بیشتر کشورهایایی که از تجزیه امپراتوری‌های بزرگ به وجود آمده‌اند، در تعیین مرزهای خود و به طور کلی در تعیین شکل جغرافیایی خود دخالت چندانی نداشته‌اند. عراق نیز یکی از این کشورهاست.^{۲۹}

بنابراین، شکل جغرافیایی و مرزهای آن همواره از سوی مقامات عراقی مورد اعتراض بوده است. این کشور طولانی‌ترین مرزهای خود را با ایران دارد. واقع شدن اکثر شهرهای پرجمعیت این کشور در مشرق و در کنار مرزهای ایران نیز از جمله نقاط ضعف ژئوپلیتیکی این کشور است و آن را از لحاظ مسایل دفاعی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین، رهبران این کشور بارها از نبود عمق راهبردی سواحل این کشور برای مقابله با حملات خارجی ابراز نگرانی کرده و سعی در رفع این معضل داشته‌اند. از سوی دیگر، مسأله تامین آب مورد نیاز عراق نیز همواره یکی از منابع ضعف ژئوپلیتیک این کشور به شمار می‌رود. عمده آب مورد نیاز این کشور از رودهای دجله و فرات تامین می‌شود که سرچشمه‌های آنها در ترکیه واقع است و در مسیر رسیدن به خاک عراق از سوریه نیز عبور می‌کنند. اهمیت استراتژیک آبهای این دو رودخانه برای هر سه کشور ذکر شده، چنان است که روابط آنها را به شکل قابل توجهی متأثر می‌سازد. آب این دو رود، علاوه بر اینکه تامین کننده اصلی آب شرب مورد نیاز عراق هستند، منابع آب لازم برای کشاورزی را نیز در این کشور فراهم می‌کنند. با در نظر گرفتن اینکه کشاورزی دومین منبع عمده اقتصادی عراق پس از نفت است، و تا پیش از سرازیر شدن درآمدهای نفتی، از دهه ۱۹۵۰، تکیه‌گاه اصلی اقتصاد این کشور به شمار می‌رفته،^{۳۰} می‌توان به اهمیت بیش از پیش آب دجله و فرات برای این کشور پی برد. به عنوان مثال، اجرای پروژه‌های متعدد سدسازی در ترکیه و سوریه، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، چنان جریان آب به خاک عراق را کاهش داد که باعث متضرر شدن حدود ۳ میلیون کشاورز عراقی، اغلب شیعه، شد. حزب الدعوه، مهم‌ترین گروه معارض شیعه عراق در آن زمان، با بهانه قرار

دادن این موضوع به تحریک مخالفان دولت عراق پرداخت.^{۳۱} این واقعه، به خوبی گویای اهمیت تضمین شریان آب دجله و فرات برای عراق است. در نتیجه این وضعیت، احتمال رویارویی نظامی و یا سیاسی میان عراق و ترکیه و یا حتی سوریه بر سر منابع آبی، همواره وجود داشته و حتی در مواردی نیز احتمال بروز جنگ نظامی می‌رفته است که از جمله آن می‌توان به وحشت ترکیه از حمله احتمالی عراق به این کشور در آغاز دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد،^{۳۲} که گویا تنها حمله عراق به کویت بود که از این واقعه ممانعت به عمل آورد.

وجود ایلات و عشایر کوچ‌نشین در بسیاری از مناطق این کشور، از جمله وجود پراکنده و غیرقابل کنترل آنها در صحراهای غرب کشور و همچنین عشایر کوچ‌نشینی که در مرزهای این کشور با ایران، سوریه و حتی در کوههای شمال این کشور و در مرز عراق با ترکیه حضور دارند و عبور و مرور آنها از مرزها تقریباً غیرقابل کنترل است، از مشکلاتی است که وضعیت ژئوپلیتیکی این کشور را بیش از پیش پیچیده می‌کند.^{۳۳} در نهایت، وجود شهرهای مذهبی مهمی چون کربلا و نجف، که به خصوص برای ایران شیعی مذهب، دارای اهمیت ویژه‌ای است را می‌توان منبع مهم دیگر تنش جغرافیایی عراق، بر اساس مدل هاگت دانست، به خصوص نباید فراموش کرد که نزدیکی شهرهای مذهبی این کشور به مرزهای ایران، از عمق راهبردی آنها به شدت می‌کاهد و این خود می‌تواند منبع دغدغه‌های دیگری برای دولت عراق باشد.

نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک هر کشور از جمله عوامل مهم در نحوه حضور آن در فضای بین‌المللی و ارتباط با دیگر کشورها به شمار می‌آید. در صورتی که حاکمیت مستقر در کشور دغدغه‌خاطری نسبت به موقعیت جغرافیایی و نسبت آن با عرصه سیاست‌گذاری نداشته باشند، یا این دغدغه‌خاطر ناچیز بوده و با اعمال سیاست‌های بخردانه قابل مدیریت باشد، امکان بذل توجه به دیگر مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی برای آن فراهم خواهد بود و زمینه را برای پیشرفت و توسعه جامعه مهیا خواهد ساخت. جغرافیای کشورها بیش از آنکه متأثر از تصمیم‌گیریه‌ها و اعمال نظرهای اعضای کنونی هر جامعه‌ای باشد، ناشی از شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی خاصی است که در طول دوره زمانی گسترده‌ای بر سرنوشت آن حاکم بوده

است. بر این اساس، می‌توان گفت همواره هر جامعه‌ای به شکل مثبت یا منفی در جغرافیای خود میراث برنیاکانی است که با لیاقت و یا بی‌لیاقتیهای خود آینده کشور را کاملاً تحت تاثیر قرار داده‌اند.

شرایط پس از جنگ جهانی دوم و تصمیم جمعی جوامع مختلف در جهان برای برگزیدن راهی به جز جنگ برای حل مشکلات، وضعیت جدیدی را برای دولت‌ها پدید آورده است. در این وضعیت جدید، دیگر استفاده از حربه زور و حمله‌های نظامی کلاسیک به قلمرو دولت‌های دیگر، تعیین کننده مرزهای سرزمینی به شمار نمی‌رود و از این رو، لازم است چاره دیگری برای رفع محدودیتهای فضایی و جغرافیایی حاصل از تدبیر و یا بی‌تدبیری پیشینیان اندیشیده شود. این امر، به‌ویژه درباره کشورهای صدق می‌کند که در تعیین مرزهای خویش نقش چندانی نداشته‌اند؛ کشورهایی که تا پیش از مواجهه اجباری با معیارهای مدرن دولت-ملت، که عموماً از طریق واسطه‌هایی چون استعمار برای آنها به ارمغان آورده شد، آشنا شده‌اند، بیش از دیگر کشورها با مسأله چگونگی مرزبندی و ملت‌سازی دست به‌گریبان هستند.

عراق از جمله کشورهایی است که به‌طور خاص از وضعیت ژئوپلیتیک بغرنج خود رنج می‌برد. چگونگی شکل‌گیری مرزهای این کشور با دیگر دولت‌ها، و در کنار آن چگونگی تعریف هویت ملی جدید برای جامعه‌ای که تا پیش از این فهمی از ملیت نداشته است، از جمله معضلات مهمی است که هر دولت پس از استقلال در عراق با آن مواجه بوده است. نیات استعمارگران در ترسیم مرزهای کشور تازه تاسیس عراق هرچه بوده باشد، این واقعیت را نمی‌توان منکر شد که این کشور در لحظه تاسیس با مشکله ضعف ژئوپلیتیک متولد شد و تا لحظه‌ای که این مشکله تداوم یابد، امیدها برای توسعه و پیشرفت آن بر مبنای صلح و تفاهم با همسایگان تا حدود زیادی رنگ خواهد باخت. با توجه به بررسی خلاصه‌ای که از معضلات ژئوپلیتیک عراق، به‌خصوص در روابط این کشور با همسایگانش، ارایه گردید، می‌توان ادعا کرد که بسیاری از سیاستهای خصمانه‌ای که دولت‌های مختلف عراقی در طول تاریخ این کشور، از زمان تاسیس تا کنون، نسبت به همسایگان داشته‌اند، ریشه در مشکلات خاص جغرافیایی این کشور داشته است. البته نباید از این نکته نیز غافل شد که در مواقع مختلف

عوامل دیگری چون ایدئولوژی پان عربیستی، فرافکنی مشکلات داخلی، انگیزه های شخصی رهبران و جاه طلبی های آنها و حتی میزان تواناییهای نظامی این کشور، در چگونگی شکل گیری روابط این کشور با همسایگانش موثر بوده اند، اما اینها را نمی توان - با کنار گذاشتن ویژگیهای ژئوپلیتیکی این کشور - به عنوان دلایل اصلی این رفتارها در نظر گرفت.

بر اساس مدل جغرافیایی هاگت، عراق ۸ منبع مهم جغرافیایی تنش، از میان ۱۲ منبع اصلی، را در درون خود داراست و از این رو، همواره به شکل بالقوه برای بروز تنشهای جغرافیایی آمادگی دارد و این به نحو موثری، امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس را متاثر می سازد. به نظر می رسد که اکنون نیز که دولت جدید عراق به دنبال ایجاد روابط دوستانه و برادرانه با همسایگان خود است، در صورت حل نشده باقی ماندن این مشکلات، نمی توان به پایداری این روابط دوستانه چندان امیدوار بود. با وجود این، در حال حاضر با توجه به ضعف شدن دیگر انگیزه های تنش، از جمله جاه طلبی های شخصی در میان دولتمردان عراقی و همچنین ضعفهای عدیده نظامی و اقتصادی و نیاز این کشور به همکاری کشورهای همسایه برای ایجاد نظم داخلی، فرصت مناسبی برای حل کردن مشکلات جغرافیایی این کشور بر مبنای منافع متقابل فراهم آمده است و به نظر می رسد، در صورتی که نیازهای ژئوپلیتیکی عراق به نحو مقتضی ارضا نشوند، همان گونه که در بالا نیز ذکر شد، صلح پایدار در منطقه تا حدودی دور از ذهن به نظر می رسد.

پژوهش‌های انسانی و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاورقیها:

۱. حمید بهزادی، حمید، اصول روابط بین الملل و روابط خارجی، تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰.
2. quoted in : Mahboob Alam, *Iraqi Foreign Policy Since Revolution*, Mittal Publication, 1994, p. 3 ; see also: Marion Farouk Sluglett (et al.), *Iraq since 1958*, 2001, London: I. B. Tauris Publication, p-10.
3. Mahboob Alam, *Ibid.*, p. 4
4. Christiane Moss Helms, *Iraq: Eastern Flank of the Arab World*, The Brooking Institution, 1984, p. 40; see also: El-Shazly, Nadia El-Sayrd, *The [Persian] Gulf Tanker War*, New York: MacMillan, 1998, p- 45; Marion Farouk Sluglett, *op.cit.*, p. 7.
5. Marion Farouk Sluglett, *Ibid.*, p- 8.
6. Christiane Moss Helms, *op.cit.*, p- 40.
7. El-Shazly, Nadia El-Sayrd, *op.cit.*, p- 125.
8. Marion Farouk Sluglett, *op.cit.*, p. 13.
۹. برای آگاهی بیشتر ر.ک:
Clive H. Schofeild, (et al.), " The Historical Problem of Iraqi Access to the Persian Gulf," *World Boundaries*, Vol. 2, The Middle East and North Africa, London: Routledge, 1994, pp 158-173.
10. Library of Congress. COUNTRY PROFILE: IRAQ, April 2005, available at: <http://www.loc.gov/law/public/saddam/document/LoC%20Iraq%20Profile.pdf> Last visited: 2006/12/23
۱۱. عزت الله عزتی، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، بی تا، بی جا، ص ۲۲-۲۳ (با تلخیص).
۱۲. کلیه آمار ارایه شده در اینجا از مطالعه تطبیقی دو سند زیر حاصل شده است:
-Library of Congress, COUNTRY PROFILE: IRAQ, April 2005
- www.cia.gov/cia/publication/factbook/geos/ir/htm
13. Edmund Ghareeb, *The Kurdish Question in Iraq*, Syracuse University Press, 1981, p. 2; quoted in Helms, Christiane moss (1984), *Ibid.*, p. 9
۱۴. برای اطلاعات بیشتر درباره مدل هاگت می توانید به کتاب زیر مراجعه نمایید:
پیتر هاگت، جغرافیا؛ ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۳۷۸-۳۷۰.
۱۵. اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران، ص ۱۱۱.
۱۶. منوچهر پارسا دوست، ریشه های اختلافات ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴.
۱۷. محمود هاتف، روابط ایران و عراق و مسأله اروندرود، تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳.
۱۸. گزارش کوتاه و موجزی از روابط ایران و عراق درباره مسأله اروندرود، تا پیش از آغاز جنگ را می توانید در کتاب زیر بیابید:

- M. S. El Azhary (et al.), *The Iran-Iraq War*, Croom Helm Ltd., 1984, pp. 14-19.
19. Amitzia Baram(et al.), *Iraq's Road to War*, MacMillan Press Ltd., 1994, p. 226.
۲۰. فریدون آذرمیدخت مشایخ، مسایل مرزی ایران و عراق و تاثیر آن بر مناسبات دو کشور، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۵۸.
21. A. Al-Layal, *The Political Boundaries of the State of Kuwait*, 1986, Quoted in H. Clive Schofeild, op.cit., p. 159.
22. Ibid., pp. 159-162.
23. Mahboob Alam, op.cit., pp. 61-63.
۲۴. اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹، ص ۴۰.
۲۵. همان، ص ۴۵.
26. Christiane Moss Helms, op.cit., p. 49
27. Ibid., p. 145; see also: Marion Farouk Sluglett (et al.), 2001 pp. 159-171; El-Shazly, Nadia El-Sayrd, op.cit., p. 74; Mahboob Alam, op.cit., p. 27.
۲۸. در سالهای اخیر نیز برای مثال، حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، با اشاره به این مسأله به گلابه از وضعیت شیعیان عراق پرداخته و آنها را متهم ساخته است که بیش از آنکه دغدغه کشور خود را داشته باشند، به دنبال منافع ایران هستند. ر.ک. روزنامه آفتاب یزد، ۲۱ فروردین ۱۳۸۵، ص ۳؛ همچنین نگاه کنید به:
<http://www.abc.net.au/news/newsitems/200604/s1611881.htm>
۲۹. اصغر جعفری ولدانی، کانونهای بحران در خلیج فارس، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، ص ۲۷۵ و ۲۹۱.
30. Christiane Moss Helms, op.cit., p. 10.
31. Ibid., p. 46.
32. Amitzia Baram (et al.), op.cit., pp. 208-209.
۳۳. برای اطلاعات بیشتر از وضعیت خاص عشایر عراقی و تاثیر آنها بر سیاستهای این کشور به منبع زیر مراجعه نمایید:
- Christiane Moss Helms, op.cit., pp. 18-21.